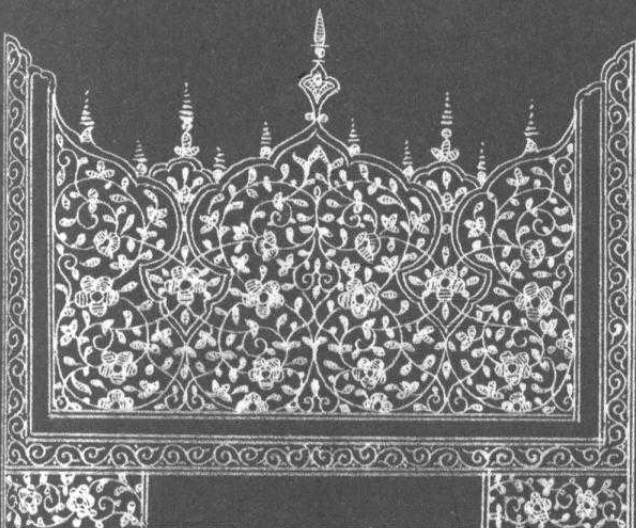


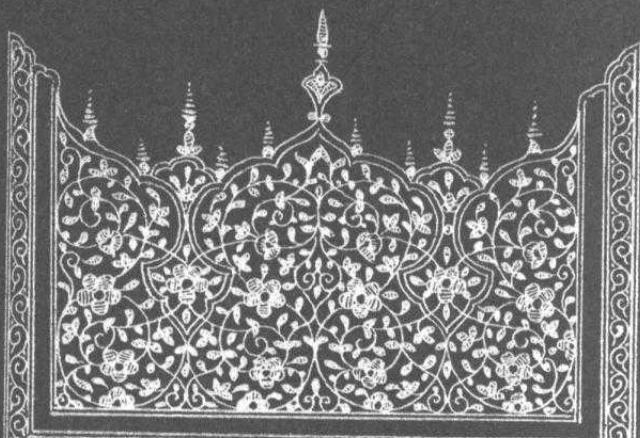




سرشناسه: حجتی، حامد، ۱۳۵۵-
 عنوان: نام پدیدآور: آن: برداشتی از تعلیمات عارف واصل آیت‌الله
 برکت‌الله (مؤلف: حامد حجتی،
 مشخصات نشر: به نشر آستان قدس رضوی (۱۴۰۰)،
 مشخصات ظاهری: ۱۳۵
 فروست: به نشر انتشارات آستان قدس رضوی (۱۳۹۲)
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۳۴۵۷-۰۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 عنوان دیگر: برداشتی از تعلیمات عارف واصل آیت‌الله بهجت قوما
 موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع: persian fiction -- 20th century
 شناسه افزوده: به نشر انتشارات آستان قدس رضوی
 شناسه افزوده: Behnashr (Astan Quds Razavi Publications)
 رده بندی کنگره: PIRA۰۲۲
 رده بندی دیویی: ۸۱۲/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۶۲۶۱۶

رُمان‌واره «آن»

برداشتی از تعلیمات عارف واصل آیت‌الله بهجت قوما



نویسنده: حامد حجتی

مدیر نشر: کاظم طلائی

طراحی جلد و صفحه: جعفر پیشه

چاپ اول: ۱۴۰۰ شماریان: نسخه قطره

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۳۴۵۷-۰

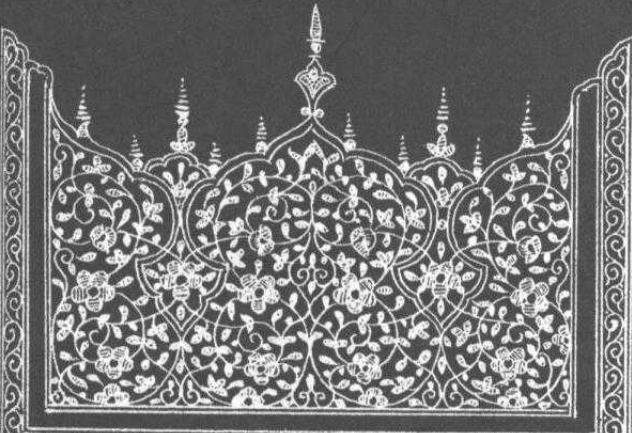
قیمت: ۱۸۰۰۰ ریال

چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

حق چاپ محفوظ است



دفتر مرکزی: مشهد، بلوار سجاد، خیابان میلاد، ص پ: ۲۹۶۹/۸۳۷۵
تلفن و دورنگار: ۲۷۶۵۲۰۰۸
دفتر تهران: ۸۸۹۶۶۰۶۲۰ و ۸۸۹۶۶۲۳۰۹۱ دورنگار: ۸۸۹۶۵۹۸۱
وبسایت اینترنتی: www.Behaushr.com
پست الکترونیک: Publishing@behaushr.com
ایمستاگرام: [behaushr.nashr](https://www.instagram.com/behaushr)
سامانه پیامکی: ۳۰۰۲۲۰۹
شبکه های اجتماعی: ۹۰۲۷۶۵۳۰۰۸

		
۸	سرآغاز	
۱۲	عطر خوش اذان	
۲۲	اذان	
۳۰	تو... سکوت	
۳۴	هم جواری با سروها	
۴۰	صف باران	
۴۴	پرنده‌ها دائم در نمازند	
۵۰	رکوع آبشار	
۵۶	شکستن شیرین	
۶۲	کنار این همه خودم	
۶۸	بهترین آن	
۷۴	عطر گل محمدی	
۸۰	عطر تن فرشته‌ها	

تهران زندگی می‌کردم؛ کارم در زمینه کامپیوتر بود. از تلویزیون یکی از نمازهای آیت‌الله را دیدم و لذت بردم. تصمیم گرفتم به قم بروم و رفتم. دیدم نمازهای پشتِ سر آقا بسیار برایم شیرین و لذت‌بخش است، برنامه‌ام را طوری تنظیم کردم که هر روز صبح بروم قم و نماز صبحم را به امامت آقای بهجت بخوانم و به تهران برگردم. یک سال کارم همین شده بود؛ هر روز صبح می‌رفتم قم، نماز می‌خواندم و برمی‌گشتم.

نمازهای آقا برایم جان‌بخش بود. هر بار که می‌رسیدم و وارد مسجد می‌شدم، رنج سفر را فراموش می‌کردم. نمازها ابعاد مختلفی داشت، مثلاً وقت سلام دادن نماز، ایشان انگار با درد و رنج سلام می‌دادند. کم‌کم نسبت به حالت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله هنگام سلام دادن آخر نماز حساس شده بودم، تا آنجا که خودم قبل از سلام‌های آقا سلام می‌دادم. یعنی

تحمل این همه رنج کشیدن آقا را نداشتم.

رفتم در منزل آقا، دیدم آقا میهمان دارند، گوشه اتاق نشستم. در ذهنم با آقا حرف می‌زدم:

- «آقا اگر نگید می‌رم‌ها! آقا دیگه نیام پشت سرتون نماز بخونم‌ها!»

در همین افکار بودم که آیت‌الله بهجت انگار حرف‌هایم را شنیده باشند، سر بلند کردند و به من خیره شدند. سرم را پایین انداختم، آرام از مجلس خارج شدم و به تهران برگشتم. در راه با خودم می‌گفتم: «آقا چطور حرف‌های من را شنید؟» شب شد. خوابیدم. در خواب دیدم پشت سر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در صف اول نماز ایستادم. در بیداری اصلاً نمی‌توانستم به چند صف جلو برسم، چه برسد به اینکه بروم صف اول! ناگهان دیدم جلو آقا، روبه‌روی محراب دری باز است: دروازه‌ای رو به یک باغ بزرگ و آباد. تعجب کردم، باغ سرسبز و پر میوه‌ای بود؛ خدای من این باغ کجا بوده که تا امروز ندیدم؟ ما پشت سر آقا نماز می‌خواندیم. به سلام آخر که رسیدیم، بعد از سلام نماز، دروازه باغ محکم بسته شد، از صدای بسته شدنش از خواب پریدم.

* احساس کردم راز صدای ناله آقا هنگام سلام آخر نماز را می‌دانم. درد دل کردن از آن باغ آباد و بازگشت به روزمرگی‌ها! حتماً به این دلیل آقا در نمازشان آن‌گونه ناله تضرع می‌کردند.

پس از آن، سه سال دیگر هرروز صبح عاشقانه برای نماز به قم می‌رفتم و سپس به تهران بازمی‌گشتم.

وقتی این خاطره را که یکی از دوستان آقا برای علی آقای بهجت

تعریف کرده بود، شنیدم، برایم شیرین آمد تا در کنار آیت الله بهجت، سری به همان باغ مصفا بزنم. تعالیم ایشان را درباره نماز خواندم و حاصل آن‌ها نوشتن این سطور شد.

این نوشته نه رمان است، نه داستان بلند، اما هرچه هست، روایت شیدایی نابی است که باید هرکدام از ما انسان‌ها هرروز به آن برسیم. ما معمولاً از این قسمت زندگی غافلیم. کاش همان‌طور که برای خودمان سبک روزمره زندگی داریم و به آن افتخار می‌کنیم، فکری برای سبک سلوک زندگی معنوی مان می‌کردیم.

نماز آن‌گونه که در تعالیم ماست، می‌تواند هرروز ما را با داستانی جدید مواجه کند؛ یعنی جذابیتی به زندگی ببخشد که از یکنواختی خارج شود. سبک سلوک هر فرد می‌تواند زندگی‌ها را زیور کند و قطعاً حاصل این مواجهه، کامیابی از زندگی دنیوی و بهره‌مندی از مواهب اخروی خواهد بود. فرشتگان نمازگزاران را در برمی‌گیرند و آرامش بر جان آن‌ها نازل می‌کنند؛ درهای آسمان به روی آنان می‌گشایند و جایگاهی دلپذیر برایشان آماده می‌کنند.^۱ از سوی دیگر، امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: نماز چشم‌ها را خاضع و خاشع، نفس سرکش را رام، دل‌ها را نرم می‌کند و تکبر را از بین می‌برد.^۲

آنچه نگارنده را به این رهیافت رساند، توجه ویژه حضرت ایشان، آیت الله بهجت بود که در طول نگارش متن حاضر، همواره وی را ناظر

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۲۱۳.

۲. همان.

می‌دیدم و همین علاوه بر وجد، بهت زده‌ام می‌کرد. این کمترین اصولاً ذره ناچیزی است در این عالم، اما بر این عقیده‌ام که قلمی کردن زندگی ایشان، مأموریت و مصلحتی است که سعادت آن همچون همایی بر شانه این فقیر نشسته است. کمترین بهت نگارنده که هنوز هم برایش حل نشده، این است: بخش زیادی از این نوشته‌ها در حائر حسینی نوشته شده است؛ یعنی درست زیر قبه نورانی حرم سید و سالار شهیدان علیه‌السلام. تحیر دیگری که در این نوشته به من دست داده، یافتن تأملات عمیق آیت‌الله بهجت در موضوع نماز به زبانی ساده و روان است. در کام این فرزانه بی‌نظیر خوشگوارترین لذت عالم در برپایی نماز است: «نماز، جامی است از اللذایذ [لذت بخش‌ترین لذت‌ها] که چنین خمیری خوشگوار در عالم وجود نیست» (در محضر بهجت: ۱/۲۲۲).

در یک کلام باید بگویم، مسیر سلوکی آیت‌الله بهجت رحمه‌الله از نماز شروع می‌شود و به نماز ختم می‌شود. نماز سرخوشانه‌ترین لحظه زندگی انسان است. لحظه‌ای کوتاه. نماز در روزانه ما یک «آن» است که اگر به خنکای آن دست یابیم، سرمست می‌شویم. آیت‌الله بهجت رحمه‌الله در جایی گفته‌اند: «از حدیث تَنَعَّمُوا بِعِبَادَتِي فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ تَتَنَعَّمُونَ بِهَا فِي الْآخِرَةِ؛ در دنیا با عبادت من بهره‌مند شوید؛ زیرا در آخرت با همان عبادت متنعم خواهید بود، برمی‌آید که عبادات، قابلیت تنعم و بهره‌مندی را حتی در آخرت هم دارد». یعنی این «آنی» عبادت است که می‌تواند با ما تا آن دنیا سفر کند. یادمان باشد که ما با خود هیچ چیزی

را نمی‌توانیم به آن دنیا ببریم.

سرخوشی این نوشته را مدیون همین خوشگواری جاودانی‌ام که از همجواری با واژه‌های منتسب به آیت‌الله بهجت رحمته‌الله نصیبم شده است. خدا کند حلاوت یک «آن» نگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در جان شما هم بنشیند تا از این سرمستی لبریز شوید.

حامد حجتی

قم مقدس، شهریور ۱۳۹۴

www.ketab.ir

